

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ وَتَبَصُّرًا فِي كِتَابِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلَ الْقُرْآنَ بِنَا مَا حِلًّا وَالصِّرَاطَ زَائِلًا وَمُحَمَّدٌ عَنَّا مُؤَلِّيًّا.

صحیفه فاطمیه، بخش اول، ادعیه ایام  
به نقل از: بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۳۸، به نقل از بلد الامین



هفته نامه فرهنگی، خبری

مدرسه دانتتجویه قرآن و عترت  
دانشگاه تهران

www.ekashef.ir | info@ekashef.ir  
www.QuranEtratSchool.ir

دوشنبه

۲۹ آذر ۱۳۹۵

۱۹ ربیع الاول ۱۴۱۸

شماره ۱۸۸

سال ششم

## خاطره

### در نظام امامت، هر دو نفر با رابطه برادری برای قیام لله به یکدیگر متصل اند

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلغ شدن، پنجشنبه ۲۵ آذرماه (قسمت دوازدهم)

مروری بر سه رکن اصلی تبلیغ همراه با خطبه ای از امیرالمومنین (علیه السلام):

در بحث قبلی مان با موضوع تبلیغ، مطرح شد که بنا بر خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه، محتوای تبلیغ دارای سه رکن اصلی بیان، موعظه و نصیحت می باشد. البته در دستگاههای مختلفی می توان ارکان دیگری را بدست آورد، مثلا در کتاب جهاد نرم، چهار رکن بیان، حکمت، جدال احسن و موعظه حسنه ذکر شده اند. در ادامه همین مباحث، به خطبه ۸۸ امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می پردازیم که در واقع جنبه منفی سه رکن فوق را شرح می دهند:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْضِ جَبَّارٍ دَهْرٌ قَطُّ إِلَّا بَعْدَ تَهْمِيلٍ وَرَخَاءٍ وَلَمْ يَجِبْ عَظَمُ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا بَعْدَ أَرْزُلٍ وَبَلَاءٍ وَفِي دُونَ مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ عَذَابٍ وَ مَا اسْتَدْبَرْتُمْ مِنْ خُطْبٍ مُعْتَبَرٍ وَ مَا كُلُّ ذِي قَلْبٍ بَلْبِيبٍ وَ لَا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بِسَمِيعٍ وَ لَا كُلُّ [ذِي] نَاطِرٍ بِبَصِيرٍ قَبَا عَجَابٍ وَ مَا لِي لَا أَعْجَبُ مِنْ خَطَايَا هَذِهِ الْفِرْقِ عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَقْتَصُونَ أَثَرِ نَبِيِّ وَلَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ وَلَا يَعْفُونَ عَنْ غَيْبٍ يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَ الْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْرَعُهُمْ فِي الْمَعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ تَعْوِيلُهُمْ فِي الْمُهْمَاتِ عَلَى آرَائِهِمْ كَأَنَّ كُلَّ أَمْرٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسُهُ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا فِيمَا يَرَى بِعَرِي ثَقَاتٍ وَ أَسْبَابٍ مُحْكَمَاتٍ.» حضرت العباس (علیه السلام) می فرمایند: خداوند

هیمنه جبارین را نشکسته است مگر بعد از اینکه به آنان مهلت داده و نعمت هایی هم که می خواستند را به آنها داده است و هرگز استخوان شکسته ای

باشد و زمینه های تحقق آنها را با بیان، موعظه و نصیحت در دیگران رقم بزند، به طوری که سبک زندگی انبیاء گفته شود. یعنی دلیل اینکه چنین افرادی سمیع و بصیر نیستند، این است که اثر نبی را پی نگرفته، برای خودشان الگوسازی نکرده اند و به نظام وصایت انبیاء اقتدا نمی کنند. اگر عیبی دارند، عیبشان را برطرف نمی کنند. در شبهات عمل می کنند، نه با محکمت. یعنی کارهایی که انجام می دهند به قوانین محکم وصل نیست. سیرشان در شهوت هاست. وقتی هم بخواهند مشکلات خود را حل و گره هایشان را باز کنند، به خودشان مراجعه می کنند و هرگاه می خواهند کار بزرگی انجام دهند به آراء خودشان اتکاء می کنند، انگار هر کدام برای خودشان یکپارچه آقا و امام هستند! گویا امام ندارند و خودشان امام خودشان هستند. به دستگیره های مطمئن و اسباب محکمی که خودشان باور دارند، چنگ می زنند، یعنی یک سری اصول محکم برای خودشان درست کرده اند که همانها را می گیرند و به جلو می روند.

اینکه حضرت العباس (علیه السلام) می فرمایند هر صاحب قلبی، خردمند نیست، منظور خواص و نخبگان جامعه و خلاصه آنهایی است که مشهور به داشتن لب اند. علتش اینکه چنین افرادی، یک نظام فکری دارند که برای خودشان معروف شناسی و منکرشناسی می کنند. حتی استقلال رأی دارند، یعنی هنگامی که به معضلات می رسند یک نظام فکری دارند که از عهده مشکلات خودشان هم ممکن است بر بیایند. اما حضرت العباس (علیه السلام) می فرمایند چقدر عجیب است و چرا تعجب نکنم از خطاها و لغزشهای این گروه که بر مبنای حجتشان در دین خطا می کنند، یعنی در عین اینکه فرد می گوید من شیعه هستم و امام

ملتی را بازسازی نفرمود مگر پس از آزمایشها و تحمل سختیها. در سختیها و مشکلاتی که با آنها رو به رو می شوید و سختیهایی که پشت سر گذاشتید عبرتهای زیادی وجود دارد. نه هر صاحب قلبی، خردمند است و نه هر دارنده گوش، شنواست و نه هر دارنده چشمی، بیناست. در شگفتم! چرا در شگفت نباشم از خطای گروههای پراکنده با دلایل مختلف که هر یک مذهب خود را دارند. نه گام بر جای گام پیامبر (صلی الله علیه و آله) می گذارند و نه از رفتار جانشین او پیروی می کنند. به آخرت ایمان نمی آورند و عیب خود را رفع نمی کنند. در شبهات عمل می کنند و در شهوات غوطه ور هستند. نیکی در نظرشان همان است که می پندارند و زشتی همان است که آنها منکر می دانند. در حل مشکلات به خود پناه می برند و در مبهمات، تنها به رأی خود تکیه می کنند. گویا هر کدام امام و راهبر خویش می باشند که به دستگیره های مطمئن و اسباب محکمی که خود باور دارند، چنگ می زنند.

این عبارتها خیلی جالبند اگر دقت کنیم. حضرت العباس (علیه السلام) واژگان را به طور عجیبی کنار هم چیده اند. طبق خطبه، پس هر کسی را دیدید قلب دارد، لزوما خردمند نیست و هر کس گوش دارد، سمیع نیست و هر کس چشم دارد بصیر نیست. یعنی چشم داشتن، معادل دیدن نیست. گوش دادن، معادل شنیدن نیست و قلب داشتن معادل لب (خرد) داشتن نیست. برای بهره مندی از خرد احتیاج است فرد شنوایی و بینایی داشته باشد. مبلغ کسی است که خودش صاحب قلب، سمع و بصر

دارم، اما زندگی خوبی ندارد و کارهای خوبی انجام نمی‌دهد. اینطور نیست که محکومات نداشته باشند اما برای اینکه لبیب، سمیع و بصیر شوند بایستی بالعکس عمل می‌کردند. یعنی معروف و منکر را با حجت‌های بیرونی می‌سنجیدند، نه نظام فکری درونی خودشان.

پس بر ما لازم است که به هر دستاوردی که رسیدیم، آن را تحت نظر یک ناظر بیرونی عاقل، ذی لب، سمیع و بصیر ارائه دهیم تا اصلاحات در آن صورت بگیرد. چون وقتی در بحث تبلیغ وارد می‌شویم، به هر حال نظامی پیدا می‌کنیم و حرف‌هایی از قرآن و روایات می‌خواهیم بزنیم که حتماً این گفته‌ها بایستی با حجت‌های بیرونی انطباق پیدا کنند تا دچار بلاهای ذکر شده نشویم.

#### نقش نظام امامت در تبلیغ:

در صحبت قبلی کمی در این باره صحبت شد که ادامه می‌دهیم. نظام امامت هر چند بحث‌های مفصل و مخصوص به خود را دارد اما آن قسمتی که مربوط به فضای تبلیغ می‌شود را بیان می‌کنیم.

مبلغ نباید خودش امام خودش باشد بلکه حتماً باید به حجت بیرونی متکی باشد. یعنی در واقع سه رکن بیان الله، موعظه الله و نصیحة الله<sup>۱</sup> حتماً متصل به امام بیرونی است و اگر وصل به امام نفس باشد، هر کسی بیان، موعظه و نصیحت را مطابق نظر خودش تعریف می‌کند و اینگونه مبلغ خودش می‌شود، نه مبلغ امام. یعنی وقتی نظام تبلیغ را فراهم می‌کنید و گسترش می‌دهید، یک امام نفس را دارید گسترش می‌دهید و این نوع تبلیغ، هیچ‌گاه هم‌گرایی ایجاد نکرده و منجر به هم‌افزایی نمی‌شود. تصور کنید در یک شهر، ده محله وجود دارد و برای هر محله، یک مبلغ فرستاده شده است. هر مبلغی در محله‌اش شروع به کار تبلیغی می‌کند اما اگر آنها از طرف یک امام بالادست به هم وصل نباشند، هر قدر مبلغین در کارشان توفیقات بیشتری حاصل شود، اختلاف بین محله‌ها بیشتر می‌شود. یعنی نظام تبلیغ به جای همگرا کردن مردم، آنها را واگرا می‌کند، به همین دلیل اگر در یک جامعه‌ای به واسطه تبلیغ دین، همگرایی اتفاق نیفتاد، نشان‌دهنده این است که این نظام تبلیغ از امام واحد صادر نمی‌شود. فرض بگیرید بنا شود ما صد مسجد را پوشش دهیم و معلم قرآن بفرستیم. اگر برآیند حرکت معنوی این صد مسجد همگرایی نداشته باشد -یعنی اعضای که قرآن خوانده‌اند، نتوانند با هم ارتباط پیدا کرده و کار مشترک انجام دهند- بعد از مدتی هر پایگاه

علیه پایگاه دیگری مقابله می‌کند و به اندازه صد مسجد، صد پایگاه اختلاف برانگیز ایجاد شده است. وضع کنونی موسسات قرآنی را ببینید. تقریباً هیچ‌کدام همگرا نیستند و هیچ‌کدام برای دیگری مراجعه‌کننده نمی‌فرستند. علتش همین است که هر کدام برای خودشان یک نظام امامت درست کرده‌اند و طبیعتاً هر چقدر رشد کنند، نظاماتشان از هم دورتر می‌شود. ما احساس می‌کنیم این اختلاف طبیعی است در حالیکه طبیعی نیست. مدرسه قرآن در جمع خودش گروه‌های متعددی دارد، مثل طرح بیوت نورانی، پوشش دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها و... . حال برای همگرا شدن این گروه‌ها باید چه کاری انجام دهد؟ مدرسه قرآن هفته‌ای حداقل صد کلاس این طرف و آن طرف برگزار می‌کند. این کلاس‌ها چگونه می‌توانند با هم وحدت پیدا کنند و بعد از مدتی جریانی راه بیندازند که اثری هم‌افزوده در حد صد کلاس را ایجاد کنند؟ باید نظام امامت نصب شود و افراد از امامت نفس خود خارج شده و به یک نظام امامت بالاتر وصل شوند. این نظام امامت باید آنقدر بالا رود تا به ولایت فقیه برسد که بعد از آن دیگر دستان کوتاه است. این نظام، در صورتی اتفاق می‌افتد که تک تک مربی‌ها اعتقاد به نظام امامت داشته باشند و بروز اعتقاد این شکلی است که افراد بتوانند برتری‌های دیگران را ببینند و بپذیرند. همچنین از دستوراتی که از برترین‌ها صادر می‌شود، تبعیت کنند. طبیعتاً هر کس در شأنی، قدرت بیشتری دارد و در شأنی دیگر، قدرتی کمتر. مجموعه ما، باید بتواند افرادی که در شأنی قدرتشان بیشتر است را مطرح کند و آنهایی که قدرت کمتری دارند، تبعیت نمایند. اگر مدرسه قرآن متوجه شد مثلاً در شیوه تدریس، یک نفر خیلی وارد است باید او را دعوت کند و از او یاد بگیرد. نمی‌تواند بگوید من همه چیز را خودم در می‌آورم و از قرآن هم در می‌آورم! ما باید به همه افرادی که پایین دست هستند، و به خودمان و بالادست خودمان اعتقاد داشته باشیم تا یک نظام تخصصی شکل بگیرد و در هر تخصصی هم باید از بالاترین فرد آن تخصص، تبعیت کرد.

نظام امامت، یک نظام فرضی و ذهنی نیست و اینطور نیست که بگوییم این نظام یعنی امام زمان علیه السلام و بعد امام زمان علیه السلام را غائب کنیم و بگوییم چون نیستند، چاره‌ای نداریم پس هرطور که شد پیش برویم! امام ما، غائب است اما تخصص و علم که غائب نیست. در هر زمینه‌ای باید به

متخصص و اعلم آن علم مراجعه کرد. در مرحله اول با رجوع به علماء، به علم احترام بگذاریم. باید با علمای هر رشته‌ای نشست‌های مختلف برگزار کنیم. هر مدرسه تخصصی باید علمای مرتبط با حوزه خود را بشناسد و لیستی از بهترین آنها را تهیه کرده و به دنبالشان برود تا آراء و نظراتشان را تلمذ کند. بیرون از اینجا، افراد خیلی فهمی وجود دارند که باید با آنها ارتباط برقرار کرد. تا وقتی هم این کار انجام نشود، سطح ما معلوم نمی‌شود چون می‌خواهیم سیستم، خودش را ارزیابی کند. اما ارزیابی‌هایی که یک سیستم از خودش دارد، در حد یک درصد مفید است. حتماً باید ارزیابی توسط یک حجت بیرونی انجام شود تا بعد از آن، اعضای درون سیستم سطح پیدا کنند. مرحله دوم اینکه نظام امامت در درون مجموعه جاری شود. پس باید افرادی که عالمت هستند در رأس امور قرار بگیرند و یک سیستم ارزیابی باشد که افراد را درجه‌بندی کند. مثلاً در آزمون تدبر باید معلوم شود فلانی بالاتر از دیگری است. یعنی سطح ایجاد کند و همه هم این سطح را بپذیرند. پس اگر دیدیم کسی به طور محسوسی رتبه‌اش از ما بالاتر است، بپذیریم که او، تدبر را بهتر از ما می‌فهمد. نحوه تعامل و رجوع به امام هر رشته اینگونه است که ابتدا آن شخص را به تخصص بپذیریم و از این بسته بودن خارج شویم. نشانه پذیرش این است که اگر مطلع شدیم که فلان شخص مثلاً در حوزه خانواده کار کرده، بتوانیم با او صحبت کنیم و بعضی اوقات نشست بگذاریم. بعضی اوقات برویم و تلمذ کنیم. نکات و مشکلاتمان را بگوییم و راهکار بگیریم تا تعامل ایجاد شود. این تغییر در فکر و رویکردمان مهم است. اگر به متخصص‌های بیرونی رو کنیم، وقتی هم ما متخصص شدیم، بقیه به ما رو خواهند کرد و ما نیز بخل نخواهیم داشت. شیوه رو کردن به دیگران اگر در ما فعال شود، شیوه حسنه رو کردن به فقها و علماء در جامعه مطرح خواهد شد.

امامت یک تخصص هم آدابی دارد. مثلاً اینکه نباید بخل کند. باید کار کند، وقت بگذارد و بقیه را بپذیرد. در دروس‌های امامت به مراتب بیشتر از دروس‌های مراجعه‌کننده است. بنابراین ما باید آداب در اختیار گذاشتن علم را رعایت کنیم. یعنی؛ هر جایی علم را نگذاریم و هدرش ندهیم. علم را در محل خودش بگذاریم. در اینکه افراد را می‌پذیریم، تدبیر داشته باشیم. به هر کسی هر جایی هر حرفی را نزنیم. هر جایی ادعا نکنیم، بلکه هیچ‌وقت ادعا نکنیم. علم را

با عمل اجرا کنیم. علم را با مهارت پیاده کنیم. این موارد جزء ویژگیهای امام است. امام نباید اهل ادعا و علم بدون عمل باشد. قبلا گفته شد که پس زمینه نظام امامت، نظام اخوت است. طبق آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّيْ وَ فِرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا...» (سوره سباء، آیه ۴۶) افراد در نظام امامت، باید دو تا دو تا بهم متصل باشند. یعنی اگر بنده توانستم با کسی دوست شوم و بفهمم دوستم چه محاسنی دارد، چگونه می توانم به من کمک کند و تحت اوامر او بروم، امکان نصب شدن امامت در من ایجاد شده است. وقتی دو نفر دوست شدند، حال هر دو باید برای خدا قیام کنند و در صد کشف بیان الله، مواظب الله و نصیحه الله برآیند. مثلا بعضی اوقات بایستی با هم به جایی بروند و تلمذ کنند و مشترکا تبعیت در بیان خدا، نصیحت خدا و موعظه خدا داشته باشند. گویی یک تن واحد می شوند. بعضی اوقات هم گسستی بین آنها ایجاد می شود، پس یکی بیان، نصیحت و موعظه می کند و دیگری باید ببیند، بشنود و قبول کند. به این، نظام برادری می گویند. نظام برادری اقتضا می کند که دو نفر مثل دو پا بشوند و با هم قدم بردارند تا جلو روند.

افراد باید این نظام را در درون خودشان تجربه کنند. فرد باید بپذیرد که دوستش چیزی را خیلی بهتر از او بلد است. پس بنشیند، گوش بدهد و بفهمد. و بعضی اوقات هم او بهتر از دیگران بلد است و آنها می شنوند. که اینگونه مثالی برای نظام امامت می شود که فرد از جهتی امام عده ای و از جهت دیگر، مأموم عده ای است.

نگاه ما به نظام امامت عموما نگاه آدم کوکی است! گویی در سیستم فرد اصلا تفکر و تعقل وجود ندارد. نمی گوئیم فرد، آدم لجبازی باید باشد ولی نمی شود که فقط اوامر و نواهی را به یک انسان به صورت خشک، بی احساس و عواطف گفته شود. حتما باید در آن اوامر و نواهی امکان جولان تفکر، توجه، عواطف، رجا و رغبت وجود داشته باشد و این را باید از نظام برادری امتحان کرد.

چقدر دو نفر متصل بهم می توانند قدرت پیدا کنند و دارا شوند. یکباره دارایی یک فرد همه اش مال توست و دارایی تو، همه اش مال اوست. حال فکر کنید این وضعیت یک جمع بشود! نظام امامت یعنی اینکه ۱۰ نفر را ۱۰ تا ببینید و آنها را ۱۰۰ تا ببینید. چون دارایی هر کدام برای دیگری است در حالیکه هر کس برای بدست آوردن دارایی دیگری

باید یک عمر خرج می کرد! نظام امامت یعنی آوردن توانها در یک نظام برای همه و برای یک کار مشترک. حال سوال اینکه چرا نباید از این نظام استفاده کنیم و چرا باید از آن دور باشیم؟! یک دلیل مسخره دارد و آن اینکه فرد نمی تواند ببیند فلانی از او بزرگتر است یا فلان توان را دارد. یا بدتر اینکه نمیتواند زانو بزند و نزد او تلمذ کند چون بهش برمی خورد! اگر همین یک کار کوچک را آدمها بلد بودند، نظام امامت راه می افتاد.

این جمله باید بشود ورد زبان انسانها: «من دنبال شما می گشتم، تا الان کجا بودید؟!» چقدر افراد کنار ما آمدند و رفتند که باید منتظرشان می بودیم اما حواسمان به آنها نبود. آمده بودند به ما چیزی بیاموزند ولی از دستشان دادیم.

پس نظام امامت در اثر نظام برادری اتفاق می افتد. اول باید با هم برادر شویم تا بتوانیم یتیم بودن خودمان را بفهمیم، آنگاه یک پدر بخواهیم. تا نتوانیم فرزند شویم و نیاز به پدر را بفهمیم اگر پدر هم بیاید، او را از دست میدهم. ممکن است پدری بیاید که سنش از ما کمتر باشد اما از نظر علمی، پدر است. می پرسیم از کجا بفهمیم؟ جواب اینکه علمش و توانش را بسنج، متوجه می شوی.

در حوزه تبلیغ، نظام امامت باید احیاء شود. نظام امامت در لابه لای آیات تبلیغ آمده است. خاستگاه نظام امامت در نظام تبلیغ بیان شده است. یعنی محل تولد امامت، نظام تبلیغ است.

نظام تبلیغ اگر وصل به نظام امامت باشد، می تواند فقر را برطرف کند، باران را نازل نماید، اقلیم گیاهی و آب و هوا را تغییر دهد. فقط کافیت سبک زندگی مان تغییر کند. اینها حرفهایی است که غربی ها هم فهمیده اند و در صددش برآمده اند چون فکر می کنند عمر زمین با این روند فعلی تا ۲۰۰ سال دیگر بیشتر نمی کشد. در صورتی که ما اعتقاد داریم وقتی همگرایی در انسانها صورت می گیرد، ملائکه می آیند و آنها سبب نزول برکات و تغییرات می شوند.

فعلا به ایرادات دیگران کاری نداریم و الان می خواهیم عیوب خود را در مدرسه قرآن برطرف کنیم. اول روابط درونی مان طبق نظام برادری باید درست شود. دوما هر مدرسه تخصصی با علمای حوزه خود در بیرون ارتباط برقرار کند و سوما مدارس و افراد، اهل علم همراه با عمل شوند. این سه کار که انجام شود، نظام امامت در ما احیاء خواهد شد. اگر این سه محور انجام شود، نظام امامت تا شش

ماه دیگر راه می افتد و آن وقت می شود راجع به مسائل دیگر، فکر کرد.

وقتی این کارها را بکنیم، دیگران اثراتش را می بینند و درباره اش می پرسند. آن وقت می شود به دیگران هم نظام امامت را معرفی کرد و چون اثر را دیده اند، می پذیرند ولی ادعا را کسی قبول نمی کند!

برای ایجاد نظام برادری در بین خود، هر کس ببیند چه چیزی را خوانده و چه چیزی را نخوانده است. برای آنچه بلد نیست، دنبال شخصی بگردد که آن را بلد باشد و با او مباحثه کند. حتی لازم هم نیست حضوری باشد. فقط اینکه بدانیم فلان شخص می تواند جواب مرا بدهد. این ارزیابی را خود افراد باید بکنند و افراد توانمند باید شناخته شوند. نیاز باید از درون باشد. شما چه چیزی را بلد نیستید؟ بروید دنبال آن کسی که بلد است و بیاموزید. کسر شأن هم نیست. این تعینات که برداشته شوند، زندگی راحت می شود و ما تازه می توانیم همدیگر را پیدا کنیم. این کار را بکنیم و بعد ادعا کنیم که ما دنبال امام زمان علیه السلام گشتیم اما پیدایشان نکردیم! وقتی من برای چند کار جزئی و پیش پا افتاده دنبال کسی نمی گردم، چطور می توانم بگویم که دنبال امام زمان علیه السلام می گردم و پیدایشان نمی کنم؟! باید نیازهایمان به حدی برسد که فقط امام معصوم بتواند جواب دهد تا ایشان را بیابیم. آن وقت اگر سوال مهمی داشتیم که امام باید جواب می داد، بدانیم که خود امام می آیند و جواب را می دهند و نگران هم نباشیم! امام هم برای پاسخ، انواع و اقسام راهها را دارند و خیال هم نکنیم کنار دستمان ظاهر می شوند!

دعا کنیم که ان شاء الله فهم امامت نصیبمان شود. اگر کسی فهم امامت نصیبش نشود، فهم اسماء الهی برایش ناممکن است. فهم نظام امامت معادل فهم نظام اسماء است. کسی که توحید ناب با جلوه های ناب اسمائی می خواهد، باید نظام امامت را درک کند. نظام امامت به سهولت قابل درک است، به شرطی که انسان از چارچوبهای ذهنی خودش رها شود و سراغ آن کار خاصی که برای او در نظر گرفته شده است، برود. ان شاء الله به برکت میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ارتباطمان با امیرالمومنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام، بالاخص امام زمان علیه السلام این اتفاق برآید و به نظام امامت وصل شویم، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

۱. ر.ک. شرح خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه در شماره پیشین نشریه.

یادداشت ادبی

## خواندن دعای تو از ما، بر طرف کردن عیبهای ما از تو...

حاشیه‌ای بر ادعیه روزانه حضرت زهرا (علیها السلام) در صحیفه فاطمیه

خواندن دعای تو از ما، بر طرف کردن عیبهای ما از تو...

احصای دعاهاى تو از ما، احصاء کردن عیبهای ما و نشان دادنش از تو...

روز جمعه<sup>۱</sup>:

• جمعه داشتن یعنی ولّی و صاحب داشتن. اینکه ولّی داری یعنی می خواهی تو از همه بهتر باشی. آفرین بر چنین ولّی‌ای! عید جمعه، روز بهتر شدن و بیشتر مورد توجه و قرب بودن... بهتر بودن و مقرب‌تر بودن... چون محمد و آل محمد، است.

• با توجه به دعای روز جمعه حضرت زهرا (علیها السلام) به نظر می‌رسد که روز جمعه، روز «توجه» است که از حس تا عمل در یک راستا، پیوسته، پی در پی، در مسیر حق و دائمی قرار گیرند که به صورت فزاینده (تا افعال شدن) از هم تاثیر می‌پذیرند و بین صلواتهای انسان پیش و پس از این توجه، تفاوت قائل می‌شود و انسان را از آسیب‌هایی چون ذنب و خطا و اثم در امان نگاه می‌دارد.

روز شنبه:

• بعد از جمعه که متمرکز بر لقاء و دیدار بود، شنبه و طلب رزق و قوت بسیار معتادار است. شنبه روز اظهار نیاز است. روزی که هر فکر و عملی از بنده، ظاهر می‌سازد فقر و دلدادگی‌اش را بر یگانه معبود غنی مطلق. شنبه روز وسعت یافتن حال است. در پی رزق و روزی‌هایی بودن که وسعت بخشد همه ارکان وجود انسان را. وسعت بخشد نگاه را، وسعت بخشد شنیدن را، وسعت بخشد عمل صالح را و وسعت بخشد نیتها را. شنبه روز محبت است. با تمام قوت و توان در میدان آمدن برای نوش جان کردن محبت خداوند و نه اغیار. شنبه روز شکرگزاری است. خداوند هر عملی که می‌کنم، هر طلبی که مرا به سوی نیتی و اراده‌ای و فعلی سوق می‌دهد، هر قوه و توانی که صرف می‌کنم، هر رزق و روزی که دعای من می‌شود، همه و همه به قصد شکرگزاری از خالق است که فیضان محبت او خزینه‌های رحمتش را بر بندگان گسترانیده است و انسان را از قید بندگی و محبت غیر بی نیاز ساخته است.

• دیدن فضل‌ها و توان‌ها در انجام امورات روز شنبه یکی از مهارت‌های این روز است. در هر کار انسان بر اساس قوه، توان و استعدادی فعالیت می‌کند و

آن را به سرانجام می‌رساند. دیدن این قوا از مصادیق برنامه‌های روز شنبه بود.

روز یکشنبه:

• معمولاً فلاح را به عنوان مقصد می‌شناسیم اما یکشنبه به دلیل اتصالش به طلب رزق در روز شنبه، شروع با رسیدن به مقصد و نایل شدن است. روزی که با عاقبت خوش شروع شده است چقدر اولش شبیه آخرهاست... حی علی الفلاح... قامت که می‌بندی، به فلاح رسیده‌ای... نماز خودش آن عالم دیگر است که مقصد است... سیده نساء عالمین اگر تو نبودی فلاح را به عنوان نقطه آغاز نمی‌شناختیم... تو یاد دادی که عمر ما شبیه یکشنبه باید باشد اولش فلاح اوسطش صلاح و آخرش نجات.

• بعضی کارها زمان طولانی برای انجام و قهردهی نیاز دارد اما گاهی بین شکافتن (فلج) و جوانه زدن وطنی مسیر (البته طی سلامت مسیر که همان صلاح است) تا غر دادن و رفع نیاز (نجم) فاصله کوتاهی است. شاید یکشنبه زمانی باشد برای انجام کارهایی که باید به صورت یکپارچه در یک زمان کوتاه شروع شده و ثمر دهد.

• در آغاز یک کار که باشیم لازم است آغاز کننده آن را بشناسیم. چه کسی آغاز می‌کند- در ظاهر؟ نفس. نفسی که از روز جمعه در تربیت است و برایش خوانده شده اخلاص در عمل و رهایی از غیر: اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ أَخْلَصَ لَكَ بِعَمَلِهِ و در روز شنبه طلب برای نیازمندی‌هایش از خداوند و لا غیر: وَ لَا تُحَوِّجْنَا إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ... وَ إِلَيْكَ فَقْرًا وَ فَاقَةً. امروز (روز یکشنبه) روز حرکت برای رفع نیاز است که تار و پودش در روزهای قبل بافته شده است. روز آغاز کردن. و این نفس می‌تواند به فلاح برسد مگر اینکه بتواند اخلاص و توجه را در خود مراقبت کند. در هر آغازی اخلاص و نیاز بینی باید لحاظ شود. از بند خود رها شود و برای فلاح و رستگار شدن اولین قدم را بردارد. غروب که می‌شود، پایان روز است. و شام روز بعد.

و روزهای بعدی منتظر حاشیه‌نوشت‌های شما از دعاهاست...

۱. پیشنهاد می‌شود برای فهم ارتباط متون با ادعیه روزانه حضرت زهرا (علیها السلام) ابتدا ادعیه روز مرتبط را با دقت مطالعه فرمایید.

## پیشخوان

### آغاز پویش انس با ادعیه روزانه حضرت زهرا (علیها السلام) جهت عمل و طهارت نفس

برای نزدیکی علم و عمل‌مان به صورت محسوس باشد، ان‌شاءالله.

علاقه‌مندان جهت همراهی با جمع خادمین فاطمی می‌توانند به کانال تلگرامی ستاد صحیفه فاطمیه (@sahifefatemieh) مراجعه نمایند. همچنین ادامه این نشست، در جلسه پنجشنبه هفته جاری (۲ دی‌ماه) ساعت ۱۴:۳۰ در مکان مدرسه دانشجویان عترت (کاشفیون) قرآن و عترت (علیها السلام) برگزار خواهد شد.

اعمال ما را زینت دهد تا با عمل به آن، سیر تبلیغ فعال شود.

۲. از بین ادعیه، دعاهاى روزانه حضرت زهرا (علیها السلام) انتخاب شد تا مبنای اعمالمان در هفته، مضامین آنها باشد.

۳. تکلیف عملی بر این است که دعای هر روز مطالعه شود و آنچه به عنوان «مقصد، راهبرد و آسیب» برای اعمال هر روزه می‌تواند استخراج گردد، مورد توجه و عمل در طول روز قرار بگیرند. در نتیجه سعی شود به مبنای برنامه‌ریزی، عمل و توجه توسط حضرت زهرا (علیها السلام) در هر روز نزدیک شده و به آن عمل کنیم تا تمرینی

پیرو خبر مندرج در کاشف شماره ۱۸۶، جلسه‌ای عمومی جهت حضور مشتاقان ترویج صحیفه فاطمیه جهت رفع موانع گسترش ادعیه فاطمی در سطح جامعه، پنجشنبه هفته پیش (۲۵ آذرماه) توسط ستاد ترویج صحیفه فاطمیه برگزار گردید. در این جلسه که با بیانات آقای اخوت همراه بود، راهکار تبلیغ صحیفه فاطمیه در جامعه از طریق برنامه‌ریزی جهت طهارت نفس در جمع خادمین بیان گردید و تصمیم بر همت جمعی برای موارد ذیل گرفته شد:

۱. ادعیه حضرت زهرا (علیها السلام) بر جان‌مایه‌مان نشسته و